

حیطه‌های تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایتمند

الهام فتحی^۱، معصومه اسمعیلی^۲، کیومرث فرحبخش^۳، منیژه دانش‌پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

چکیده

هدف و زمینه: حل تعارض سازنده می‌تواند منجر به نتایجی همچون رضایت زناشویی، تقویت رابطه و بهزیستی گردد. هدف این مطالعه کاوش حوزه‌های تعارض زوجین رضایتمند و راهبردهای حل تعارض این زوجین بود. روش: ۱۰ زوج رضایتمند در این پژوهش شرکت کردند، آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل محتوای قراردادی به منظور استخراج مضامین و خرده مضامین این مطالعه استفاده شد. یافته‌ها: پنج مضمون همراه با خرده مضامین و مضامین فرعی‌شان به دست آمد که عبارت بودند از: (۱) تعارض‌های مرحله پیش از ازدواج (۲) تعارض‌های مرحله نامزدی (۳) تعارض‌های مرحله اولیه ازدواج (۴) تعارض‌های مرحله ثانویه ازدواج (۵) راهبردهای سازنده برای حل تعارض‌های زناشویی و خانوادگی (روشن‌سازی، حمایت از همسر و منظومه زن‌شوهری، سازگاری، جبران، افزایش استقلال، آرام‌بخشی، بهره‌گیری از منابع حمایتی). نتیجه‌گیری: با شناسایی تعارضات زناشویی در مراحل مختلف می‌توان مداخلات پیشگیرانه و درمانی متناسب با هر مرحله را طراحی نمود. همچنین راهبردهای حل تعارض مؤثر می‌تواند در مباحث آموزشی و زوج درمانی مورد توجه قرار گیرد. در نهایت با توجه به یافته‌های بدست آمده در تحقیق حاضر می‌توان بیان داشت که متخصصان و مسئولین بهتر است علاوه بر در نظر داشتن واحد زوجی نقش خانواده‌های اصلی را در ارتباط با تعارض‌ها و نحوه حل آن‌ها مورد توجه قرار دهند.

واژگان کلیدی: تعارض، راهبردهای حل تعارض، زوجین رضایتمند

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، masesmaeily@yahoo.com

۳. دانشیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۴. استاد روانشناسی دانشگاه بین‌المللی آلیانت

مقدمه

بر اساس لغت‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا^۱، تعارض در روابط بین شخصی اشاره به عدم توافق، اختلاف و اصطکاک‌هایی دارد که در مواقعی که اعمال یا باورهای فرد یا افرادی برای افراد دیگر غیرقابل پذیرش باشد و مورد مقاومت قرار می‌گیرد، روی می‌دهد. تعارض در هر ازدواجی اجتناب‌ناپذیر است (وندنباس^۲، ۲۰۰۷)؛ با این وجود زوجین رضایتمند آن دسته از زوجینی هستند که روشی را برای حل تعارض به صورت مؤثر یافته‌اند (نیمتز^۳، ۲۰۱۱). رضایت زن و شوهری برای ادامه زندگی مشترک یک عنصر حیاتی به شمار می‌رود (نصیری ده سرخی و موسوی، ۱۳۹۴).

رضایتمندی زن و شوهری حالتی از خشنودی و رضایت در ازدواج است که از جنبه درون فردی تجارب ذهنی خوشایند و از جنبه میان‌فردی هماهنگی میان انتظارات یک طرف با رفتارهای طرف مقابل است که در زمینه‌های گوناگون چون سبک زندگی، ارتباط، رابطه جنسی، شرایط اقتصادی و نحوه تصمیم‌گیری وجود دارد (اسپانیر و لیوایس^۴، ۱۹۸۰). مطالعات نشان می‌دهند که رضایت زن و شوهری با بهزیستی^۵ همسران رابطه دارد (کار، فریدمن، کورنمن، اسکوارز^۶، ۲۰۱۴)، عاملی حفاظتی برای واحد خانواده محسوب می‌شود، کیفیت زندگی بهتر را رقم می‌زند (پلگ^۷، ۲۰۰۸) و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از زندگی در بین تمام مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی است (هلر، واتسون و ایلز^۸، ۲۰۰۴).

از سویی دیگر، اخیراً در جامعه علمی گرایشی پیدا شده است که به جای تمرکز بر عوامل مؤثر بر طلاق زوجین، بر روی ازدواج‌های رضایتمند تمرکز کرده است. تمرکز بر

1. APA Dictionary of psychology
2. VandenBos
3. Nimtez
4. Spanier, and Lewis
5. Well being
6. Carr, Freedman, Cornman, & Schwarz
7. Peleg
8. Heller, Watson, & Ilies,

زوجین رضایتمند، باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های رضایتمند در جامعه سازنده باشد (نیمتزر، ۲۰۱۱).

حل تعارض‌های زناشویی دارای رابطه‌ای قوی با رضایتمندی زناشویی است (هوی، کریستنسن و مالموث^۱، ۱۹۹۵)، در حالی که تعارض حل‌نشده منجر به نارضایتی و بیگانگی می‌شود، البته تعارض دارای جنبه مثبتی نیز هست که فرصتی را برای بهبودی روابط فراهم می‌کند و این در صورتی است که همسران یاد بگیرند چطور با یکدیگر مذاکره کنند (ماکری، دیمری و ابرین^۲، ۲۰۰۰). بنابراین می‌توان گفت حل تعارض برای روابط موفق، موضوعی محوری است.

رفتارهای حل تعارض به رفتارهایی گفته می‌شود که به منظور کاهش اصطکاک بین افراد به کار گرفته می‌شود (وندن یاس^۳، ۲۰۰۷). تعارض‌ها ممکن است در ارتباط با هر موضوعی از جمله طرح‌ریزی و انجام یک زندگی مشترک روی دهد (ماهونی^۴، ۲۰۰۵)؛ بنابراین تعارض بین افراد در روابط مهم همچون ازدواج امری غیرقابل اجتناب است (کانری، کاپاچ و مسمن^۵، ۱۹۹۵).

هنگامی که خطایی بین زوجین اتفاق می‌افتد، احساسات منفی قوی‌ای فراخوانی می‌شوند که دارای ظرفیت بالقوه برای مختل نمودن رابطه هستند (استرنبرگ و دابسون^۶، ۱۹۸۷). تعارض سازنده به صورت حفظ انعطاف‌پذیری، تعامل همراه با تمایل به منظور یادگیری و در محوریت قرار دادن رابطه و نه افراد تعریف شده است (گریف و دبراین^۷، ۲۰۰۰). مطالعات نشان داده است که سبک‌های حل تعارض سازنده منجر به رضایتمندی زناشویی می‌شود (گریف و دبراین، ۲۰۰۰).

1. Heavey, Christensen & Malamuth
2. Mackey, Diemer, & O'Brien
3. VandenBos
4. Mahoney
5. Canary, Cupach & Messman
6. Sternberg & Dobson
7. Greef & de Bruyne, 2000

عمده تحقیقات در حوزه تعارض زوجین بر حل آن‌ها متمرکز شده است (کورداک^۱، ۱۹۹۴). گاتمن^۲ مدعی است حداقل سه سبک متفاوت تعارض‌های زوجین وجود دارد که به پیامدهای موفق زناشویی می‌انجامد. این سه سبک شامل اجتنابی، اعتباربخش و سرزنده^۳ است که گاتمن آن‌ها را سبک‌های تنظیم‌شده می‌نامد. در سبک‌های تنظیم‌شده، زوجین رابطه باثبات‌تر و رضایت‌بخش‌تری را نسبت به سبک‌های غیرتنظیم‌شده دارند که این کار به وسیله استفاده از راهبردهایی به‌منظور رهایی یافتن از تعارض‌های مخرب و درگیر شدن در تعاملات مثبت که به‌طور معناداری بیشتر از تعاملات منفی است، صورت می‌گیرد. زوجین اجتنابی ترجیح می‌دهند که تا حد ممکن تعارض را با توافق در موارد اختلاف‌شان کاهش دهند. زوجین اعتباربخش با مورد تأکید قرار دادن اهمیت اطمینان یافتن از اینکه هر کدام از اشخاص درک می‌گردد و دیدگاهش مورد تقدیر قرار گرفته یا اعتبار بخشیده می‌شود به حل تعارض می‌پردازند. زوجین سرزنده، پرشورتر و پرانرژی هستند و از بحث‌ها و اختلاف‌نظرهای پر جنب‌وجوش نمی‌ترسند. در مقابل زوجینی که سبک حل تعارض حل نشده دارند برچسب متخاصم می‌خورند و تعارض‌های مخرب و تحقیرآمیزی دارند که احساسات مثبت و پایداری زناشویی را تضعیف می‌کند. (گاتمن و لونسون^۴، ۲۰۰۰).

فهم راه‌هایی که افراد در فرهنگ‌های متفاوت تعارض‌های‌شان را حل می‌کنند دارای اهمیت زیادی است (تریانداس^۵، ۱۹۸۹). افراد در فرهنگ‌های فردگرا خود را به‌عنوان اشخاصی منحصربه‌فرد و جدا از دیگران می‌بینند. فرهنگ‌های فردگرا ارزش‌هایی را تزریق می‌کنند که در راستای خدمت برای ارتقای نیازهای خود است و افراد را از گروه‌ها جدا می‌کنند. در مقابل افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا به روابط و دیگران اهمیت می‌دهند (تریاندیس، بونتیمپو، ویلارئال، آسای و لوکاک^۶، ۱۹۸۸؛ دانشپور، ۲۰۰۹).

1. Kurdek
2. Gottman
3. avoidant, validating and volatile
4. Levenson
5. Triandis
6. Triandis, Bontempo, Villareal, Asai, & Lucca

مسلمانان عمدتاً دارای فرهنگ جمع‌گرا هستند حتی زمانی که در فرهنگ‌های فردگرا زندگی می‌کنند. در میان زوجین مسلمان آمریکایی، پویایی‌های نقش جنسیتی در حال تغییر و انتظارات ناهمخوان به همراه روابط بین زوجین متأهل، خانواده گسترده و خانواده همسر، مهم‌ترین دلایل تعارض زناشویی می‌باشند (مک‌فارلین^۱، ۲۰۱۲). پژوهش انجام‌شده به‌وسیله چپمن و کاتانو^۲ (۲۰۱۳) بر روی ۲۹۶ جوان مسلمان آمریکایی متأهل و تحصیل‌کرده که دارای رضایت زناشویی پایینی بودند پنج دلیل اولیه برای مشکلات عمده آن‌ها را به این صورت نشان داد: (۱) علایق متفاوت، (۲) عدم صرف زمان با همدیگر، (۳) تعارض با خانواده همسر، (۴) تفاوت‌های مذهبی و (۵) نگرش راجع به مسائل جنسی.

مطالعه در دیگر جوامع جمع‌گرا نیز نشان می‌دهد که آن‌ها در نوع ترجیح سبک حل تعارض متفاوت از فرهنگ فردگرا هستند. گابریلیدیس، استفن، وایرا، پیرسون و یلارنال^۳ (۱۹۹۷) به بررسی تفاوت‌های فرهنگی در سبک‌های حل تعارض ترجیح داده‌شده افراد پرداخت؛ یافته‌ها نشان داد که دانشجویان در فرهنگ جمع‌گرای مکزیکی سبک حل تعارضی را ترجیح می‌دادند که توجه به دیگران را مورد تأکید قرار می‌داد. پس می‌توان گفت که فرهنگ نه تنها در نوع تعارض بلکه در نوع ترجیح حل تعارض نیز موثر است.

رازقی و اسلامی (۱۳۹۵) در پژوهشی کیفی بر روی زوجین به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین دلیل تعارض میان زوجین شامل مداخله در زندگی زوجین، تفاوت‌های فردی و اجتماعی زوجین، فقدان مهارت‌های ارتباطی و مسائل مالی است، همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که شرایط دیگری همچون فقدان رضایت عاطفی و جنسی در تعارض‌های زناشویی و خانوادگی مؤثر بود. حاجی حیدری، اسمعیلی و طالبی (۱۳۹۴) در یک تحقیق کیفی به بررسی تعارضات زناشویی زوجین فاقد فرزند و در آستانه طلاق پرداخته‌اند؛ محققان به این نتیجه رسیدند که سه علت عمده تعارض‌ها، مسایل فردی (مسایل روانشناختی، مسایل گذشته)، روابط همسران (مسایل جنسی و جسمی، مسایل اخلاقی، عدم

1. Macfarlane
2. Chapman and Cattaneo
3. Gabrielidis, Stephan, Ybarra, Pearson, & Villareal

همسانی، تدلیس در ازدواج، تغییر در شرایط زندگی) و جامعه (مسایل فرهنگی و اقتصادی) بودند. اسمعیلی و دهدست (۱۳۹۳) نیز در یک مطالعه‌ای کیفی نشان دادند که سبک‌های حل تعارض پیش از ازدواج با رضایت زناشویی بعدی مرتبط است. تعداد کمی از پژوهش‌ها در ایران به کار کیفی در مورد حل تعارض پرداخته‌اند و اغلب تحقیقات به صورت کمی انجام شده‌اند که ضرورت انجام پژوهش کیفی در این حیطه را نشان می‌دهد. با در نظر داشتن اهمیت تعارض و حل مؤثر آن در رضایتمندی و موفقیت ازدواج و توجه به این واقعیت که نوع تعارض و شیوه حل آن یک موضوع وابسته به فرهنگ است و همچنین با توجه به اینکه جستجوی پژوهشگران در پایگاه‌های داده‌ها نشان داد که تاکنون پژوهشی با رویکرد کیفی به بررسی و شناسایی حیطه‌های تعارض و شیوه‌های حل تعارض در بین زوجین رضایتمند در جامعه ما نپرداخته است، انجام پژوهشی با هدف شناسایی حیطه‌های تعارض و روش‌های حل تعارض زوجین دارای ازدواج رضایتمند یک ضرورت به نظر می‌رسد. در این راستا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این مسئله است که زوجین دارای ازدواج رضایتمند دارای چه تعارض‌هایی هستند و از چه شیوه‌هایی برای حل تعارض خود استفاده می‌کنند؟

روش

در این پژوهش به منظور شناسایی تجربه زوجین رضایتمند از حوزه‌های تعارض و راهبردهایی که آن‌ها به منظور حل تعارض‌هایشان استفاده می‌کنند، از رویکرد پژوهش کیفی استفاده شد. برای این منظور از بین روش‌های پژوهش کیفی از تحلیل محتوای قراردادی استفاده شد. از تحلیل محتوای قراردادی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند به منظور کاوش مضامین و تجارب رایج در میان شرکت‌کنندگان استفاده شد (هسیه و شانون، ۲۰۰۵). این روش معمولاً زمانی استفاده می‌شود که محقق مایل است کلمات را به طبقات مرتبط با محتوای کمتری تبدیل کند تا کاوش کند که آیا طبقات معانی یکسانی را دارند

(کاوانا، ۱۹۹۷). همان‌طور که هسیه و شانون (۲۰۰۵) یادآور شده‌اند یکی از مزایای تحلیل محتوای قراردادی این است که دانش به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها مبتنی بر تجارب شخصی منحصر به فرد شرکت‌کنندگان و نه بر اساس نظریه‌ها با طبقات پیش‌پنداشته شده است.

شرکت‌کنندگان این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به این صورت که با استفاده از اعلام در مکان‌های متفاوت زوجین دارای ازدواج رضایتمند و دارای ملاک‌های ورود به پژوهش حاضر، که داوطلب شرکت در پژوهش بودند برای انجام مصاحبه‌ای نیمه‌ساختارمند دعوت شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش حاضر شامل موارد زیر بود: حداقل ۵ سال از ازدواج‌شان گذشته باشد، در پرسشنامه رضایت زناشویی اولیاء و همکاران (۱۳۸۷) نمره بالا (۱۵۰,۵۴) و خیلی بالا (۱۸۲,۷۸) کسب کرده باشند. (با توجه به اینکه نمره میانگین کل و انحراف استاندارد این آزمون عبارت است (۱۱۸,۳۰) و ۳۲,۲۴ از انتخاب نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که تعداد نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ۲۰ نفر (یعنی ۱۰ زن و شوهر) را شامل شد. اطلاعات این ۱۰ زوج (مدت ازدواج، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات) در جدول ۱ بیان شده است. مصاحبه با هر نفر حدود ۱ ساعت طول کشید، قبل از مصاحبه به شرکت‌کنندگان راجع به هدف پژوهش و رعایت رازداری اطلاعاتی داده شد و اجازه ضبط مصاحبه کسب شد. همچنین به منظور حفظ رازداری و عدم افشای هویت افراد شرکت‌کننده در پژوهش از نام مستعار در زمان تبدیل صوت مصاحبه به متن استفاده شد؛ بعد از ضبط مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها در قالب متن، متن مصاحبه‌ها کدگذاری شدند.

فرایند تحقیق

در مصاحبه‌ها مجموعه‌ای از سؤال‌های بازپاسخ به کار گرفته شد که منعکس‌کننده ماهیت تحقیق بودند. برخی از سؤال‌های تحقیق عبارت بودند از: تعارض‌های شما چه بودند؟ چطور شما تعارض‌های تان را حل می‌کنید؟ می‌توانید برای ما مثالی از تعارض‌های خود و نحوه حل آن بیاورید؟ برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVIVO 10 استفاده

شد. فرایند تحلیل محتوای قراردادی شامل تدوین سؤال‌های پژوهش، انتخاب نمونه، تعریف نمودن طبقه‌ها، اختصارسازی و تکمیل فرایند کدگذاری، تعیین قابلیت اعتماد و تحلیل یافته‌ها بود (کاید^۱، ۱۹۸۹). تحلیل محتوای قراردادی (هسیه و شانون، ۲۰۰۵) در بردارنده‌ی مرور کردن داده‌ها از شرکت‌کنندگان متعدد برای نمونه‌های مکرری از معانی مشابه است که سپس منظومه‌ای از طبقات و زیرطبقات ساخته می‌شوند. مضامین ظاهر شده مورد توجه قرار گرفته، طبقه‌بندی گردیدند و مورد تأکید قرار گرفتند.

ابزار تحقیق

پرسشنامه رضایت زناشویی: این پرسشنامه توسط اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی در سال ۱۳۸۷ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۵۲ سؤال است که مقیاس آن طیف لیکرت و از بسیار زیاد تا خیلی کم است. حداقل نمره در این آزمون ۵۲ و حداکثر ۲۰۸ می‌باشد و هرچه فرد نمره بیشتری کسب کند نشانه رضایت زناشویی بیشتر او می‌باشد. روایی محتوایی آن توسط ۱۰ نفر از متخصصان مشاوره خانواده اصفهان بررسی و تأیید گردیده است و روایی آن از طریق محاسبه همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون تأیید شده است. روایی همزمان این پرسشنامه از طریق پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ /۸۴. به دست آمد. پایایی این پرسشنامه از طریق بازآزمایی آزمون ۹۱. به دست آمد (اولیاء و همکاران، ۱۳۸۷).

اعتبار یافته‌ها

عموماً جهت اطمینان از دقت در پژوهش کیفی از ملاک‌های مقبولیت^۲، قابلیت انتقال^۳، قابلیت وابستگی^۴ و قابلیت اعتماد داده‌های^۵ مطالعه استفاده می‌شود (لینکن و کوبا^۶، ۱۹۸۵). در این تحقیق نیز ما از ملاک‌های مقبولیت، قابلیت انتقال، قابلیت وابستگی و قابلیت اعتماد داده‌ها استفاده کردیم. برای حصول مقبولیت-دقت در توصیف یا تفسیر- همه پژوهشگران این تحقیق در طی پژوهش برای به دست آوردن همگرایی، فعالانه در پژوهش درگیر

1. Kaid
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. conformability
6. Lincoln & Guba

شدند. همچنین برای سنجش قابلیت اعتماد در کدگذاری از فرد دیگری برای کدگذاری در نرم‌افزار NVivo10 استفاده شد. میزان توافق کدگذاران که هر دو از این نرم‌افزار استفاده نمودند میزان مناسبی بود (۷۵٪). به‌علاوه نقل قول‌های مستقیم از داده‌ها، حمایت را برای یافته‌های حاصل شده فراهم نمود (سندلوسکی^۱، ۱۹۹۴). قابلیت انتقال-میزانی که این یافته‌ها می‌تواند برای افراد دیگر قابل استفاده باشد- این ملاک نیز به‌وسیله توصیف دقیق شرکت‌کنندگان در این پژوهش مورد حمایت قرار گرفت. قابلیت وابستگی-اعتبار و وضوح روش‌ها و تصمیم‌ها- نیز توسط توصیف دقیق فرایند انتخاب نمونه، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و همچنین اتخاذ یک رویکرد تیمی که طیفی از دیدگاه‌ها در یک گروه کار کنند، حمایت شد، به گونه‌ای که در مورد فرایند کار و مفاهیم استخراج شده با افراد دیگر بحث و تبادل نظر در طول انجام پژوهش انجام می‌گرفت. قابلیت اعتماد-تعقق و هشجاری- به‌وسیله انجام تلاش آگاهانه برای مطمئن شدن از اینکه در عین لحاظ شدن دانش و دیدگاه‌های ما، دیدگاه شرکت‌کنندگان نیز معرفی یا بازنمایی شده است، مورد حمایت قرار گرفت. به این شکل که پس از استخراج مضامین، لیستی از مضامین را به تعدادی از شرکت‌کنندگان دادیم و از آن‌ها خواستیم تا نظرات خود را در این رابطه ارائه دهند.

یافته‌ها

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش حاضر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در تحقیق

زوجین	نام مستعار	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزند	تحصیلات	شغل
۱	شیدا	۲۶	۵	۰	لیسانس	دفتر بیمه
	رامین	۲۹			لیسانس	آزاد
۲	لنا	۳۶	۱۳	۱	دیپلم	کارمند
	مهدی	۳۶			دیپلم	کارمند
۳	پری	۳۱	۱۱	۱	دکتری	دامپزشک
	آرمان	۳۳			دکتری	دامپزشک

1. Sandelowski

خانهدار	دیپلم	۲	۱۲	۳۱	فاطمه	۴
آزاد	زیر دیپلم			۴۰	حسین	
معلم	لیسانس	۲	۱۵	۴۰	زهرا	۵
معلم	لیسانس			۴۴	نقی	
خانهدار	لیسانس	۲	۱۰	۳۲	لیلا	۶
معلم	لیسانس			۳۷	احمد	
کارمند	فوق لیسانس	۲	۱۲	۳۶	سارا	۷
کارمند	لیسانس			۴۱	صادق	
کارمند	لیسانس	۰	۵	۳۱	ناهید	۸
آزاد	لیسانس			۲۵	امید	
مربی ورزشی	فوق دیپلم	۰	۱۲	۳۷	سحر	۹
کارمند	دیپلم			۳۶	حمید	
خانهدار	لیسانس	۱	۶	۲۶	هانیه	۱۰
آزاد	لیسانس			۲۷	بهداد	

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است در نمونه پژوهش حاضر میانگین سن ازدواج زنان ۳۲٫۶ سال و میانگین سن مردان ۳۴٫۸ بود. متوسط مدت ازدواج زوجین ۱۰٫۱ سال است. همچنین ۳ زوج فاقد فرزند، ۳ زوج دارای ۱ فرزند و ۴ زوج دارای ۲ فرزند بودند. از بین زنان ۱ نفر دارای تحصیلات دکتری، ۱ نفر فوق لیسانس، ۵ نفر لیسانس، ۱ نفر فوق دیپلم و ۲ نفر دیپلم بودند و از بین مردان ۱ نفر دکتری، ۱ نفر فوق لیسانس، ۵ نفر لیسانس، ۲ نفر دیپلم و ۱ نفر زیر دیپلم بودند.

تحلیل داده‌ها منجر به ظهور ۳ مضمون و ۱۳ خرده‌مضمون شد که در جدول ۲ در زیر آمده است:

جدول ۲. مضامین و خرده‌مضامین مستخرج از تحلیل داده‌ها

مضامین	کدگذاری اولیه (خرده‌مضامین)	کدگذاری ثانویه (مضامین فرعی)
تعارض‌های مرحله پیش از ازدواج	تعارض‌های مرتبط با خانواده	مخالفت اولیه خانواده‌ها با ازدواج، سوء تفاهم راجع به خانواده همسر، تعارض‌های مربوط به مهریه
تعارض‌های مرحله عقد	تعارض‌های مرتبط با خانواده‌ها	میزان گذران وقت با دوستان، محل زندگی، ابراز کلامی محبت تعارض با خانواده همسر در مورد چگونگی برگزار کردن مراسم جشن ازدواج
تعارض‌های مرحله عقد	تعارضات مالی	مسایل کاری، سرمایه‌گذاری مالی در مورد مراسم عقد و ازدواج و آینده زندگی
تعارض‌های مرحله اولیه ازدواج	تعارضات مربوط به عشق و دوست داشتن	تعارض در مورد ابراز عشق و دوست داشتن، رابطه جنسی
تعارض‌های مرحله اولیه ازدواج	موضوعات مالی	تعارض در مورد اولویت‌های مالی، میزان هزینه کردن، تفکیک یا اشتراک مسایل مالی
تعارض‌های مرحله تائویه ازدواج	تعارضات مربوط به جشن ازدواج	تعارض خویشاوندان در جشن عروسی، تعارض میان اعضای خانواده در جشن ازدواج
تعارض‌های مرحله تائویه ازدواج	تعارض‌های مربوط به فرزند پروری	عدم توافق در نوع تربیت فرزند، تعارض والدین و فرزند روشن‌سازی راجع به ویژگی‌های خود و اعضای خانواده، سنت‌ها، یا سوء تفاهم‌های پیش آمده برای همسر
استفاده از راهبردهای سازنده	روشن‌سازی	حمایت کردن از منظومه زن‌وشوهری و همسر
برای حل تعارض‌های زناشویی و خانوادگی	سازگاری	پذیرش ضعف‌ها و خطاهای همسر و خانواده‌ها، کاهش دادن انتظارات تأیید خطاهای خود و خانواده‌هایشان، معذرت‌خواهی بابت خطاهای، جبران نمودن اشتباه‌ها
	افزایش استقلال	افزایش استقلال و فاصله از خانواده‌ها و دوستانی که رابطه را در معرض خطر قرار می‌دهند با اولویت قرار دادن زوجیت
	آرام‌بخشی	استفاده از شوخی، متمرکز شدن روی نکات مثبت همسر، گفتگوی آرام‌بخش و منطقی
	استفاده از منابع حمایتی	(استفاده از منابع حمایتی نظیر اعضای خانواده، کتاب‌ها، وب‌سایت‌ها، خویشان، دوستان، متخصصان و خدا)

در ادامه یافته‌های مستخرج از داده‌ها در قالب مضامین و خرده‌مضامین آمده است:

تعارض‌های مراحل متفاوت ازدواج: (مرحله پیش از ازدواج، نامزدی، مرحله اولیه ازدواج (۲ سال اول ازدواج)، مرحله ثانویه ازدواج). حوزه‌های تعارض در هر یک از مراحل مذکور در جدول ۲ نشان داده شد و در ادامه به صورت مبسوط همراه با مصادیقی از گفته‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش آورده شده است. لازم به ذکر است نام افراد شرکت‌کننده به صورت نام مستعار آمده است تا از افشای هویت آن‌ها جلوگیری شود.

مضمون ۱: تعارض‌های مرحله پیش از ازدواج: مرحله پیش از ازدواج شامل دوره زمانی از مطرح نمودن درخواست برای ازدواج تا زمان نامزدی یعنی زمانی که پیمان رسمی ازدواج (عقد) صورت می‌گیرد، است. بیشتر زوجین ابراز داشتند که تعارض عمده آن‌ها در طی این مرحله تعارض‌های مرتبط با خانواده‌ها بود. مخالفت اولیه خانواده‌ها با ازدواج (این مخالفت به خاطر مواردی نظیر موقعیت مالی پایین مرد، تفاوت طبقه اجتماعی، تمایل خانواده‌ها نسبت به اینکه فرزندشان با یکی از خویشان ازدواج کند، سوء تفاهم در مورد خانواده همسر به دلیل عدم آشنایی کافی با خانواده جدید در این مرحله و تعارضات مربوط به قرارداد ازدواج مثل مهریه بود. تعارض‌های دیگر مربوط به تعارض میان خود زوجین بود که مسایلی از قبیل میزان گذران وقت با دوستان، محل زندگی و ابراز کلامی محبت را در بر می‌گرفت.

لیلا: "بحث مهریه خیلی جدی مطرح شد؛ اختلاف پیش اومد بابام اینا گفتن اینطوری کنیم گفتیم نه، هم دوستم هم دختر عموم دقیقاً به هفته قبل از من نامزد کردن سیصد و خورده‌ای مهریه شون بود من گفتم نه زندگی که من برای خودم انتخاب کردم دوست دارم براساس اعتقاد خودم باشه ۱۴ تا سکه که میگم خود سکه برام مهم نیست دوست دارم ۱۴ معصوم تو زندگیم بیان و یاورم باشن با این نیت میرم جلو"

مضمون ۲: تعارض‌های مرحله نامزدی (عقد): مرحله نامزدی شامل بازه زمانی از زمان بستن پیمان رسمی عقد تا زمان جشن ازدواج است. در این مرحله بیشتر زوجین ابراز داشتند که موضوع تعارض اصلی آن‌ها در ارتباط با خانواده‌ها (تعارض با خانواده همسر در مورد

چگونه برگزار کردن مراسم جشن ازدواج) بود. مهم‌ترین تعارض بعدی آن‌ها تعارض‌های مرتبط با موضوعات مالی (مسایل کاری، سرمایه‌گذاری مالی در مورد مراسم عقد و ازدواج و آینده زندگی) و موضوعات عشق و دوست داشتن (رابطه جنسی، ابراز دوست داشتن) بود.

مهدی: "اینکه بابای ایشون خیلی سنتی هستن از اول هم نمیزاشت - اینا سه تا دختر داشتن - نمیزاشتن دخترشون با پسر ارتباط داشته باشه و صحبت کنن، اصلاً ارتباط بلد نبودن با جنس مخالف، مثلاً وقتی میرفتیم مهمونی اینا پیش خودشون می‌نشستن، مثلاً به جایی که باباش احساس میکرد به پسری هست نمیداشت، جزء خانواده‌های خیلی سفت و سخت بودن، الان هم تقریباً اونجورین، به خاطر همین همسرم نمی‌تونست محبت کنه و ابتدای رابطه خیلی براش سخت بود"

مضمون ۳: تعارض‌های مرحله اولیه ازدواج: این مرحله شامل بازه زمانی از زمان روز برگزاری جشن ازدواج تا پایان سال دوم ازدواج است. اولاً تعارض‌های مالی (تعارض در مورد اولویت‌های مالی، میزان هزینه کردن، تفکیک یا اشتراک مسایل مالی) و دوماً تعارض‌های مربوط به روز مراسم جشن ازدواج (تعارض خویشاوندان در جشن عروسی، تعارض میان اعضای خانواده در جشن ازدواج) مهم‌ترین تعارض‌ها در این مرحله بودند. فرزاد: "وقتی تازه ازدواج کرده بودیم، تازه از خانواده جدا شده بودیم و فشار اقتصادی زیاد بود"

مضمون ۴: تعارض‌های مرحله ثانویه ازدواج: این مرحله شامل بازه زمانی از زمان شروع سال سوم ازدواج تا زمان مصاحبه است که در زمان مصاحبه همان‌طور که در جدول ۱ آمده است به‌طور میانگین ۱۰ سال از مدت زمان ازدواج زوجین می‌گذشت. اکثر زوجین (۷ زوج از ۱۰ زوج) در این مرحله صاحب فرزند شده بودند. تعارض‌های عمده زوجین در این مرحله متمرکز بر موضوعات فرزندپروری (عدم توافق در نوع تربیت فرزند، تعارض والدین و فرزند) بود. تعارض‌های عمده مرحله قبل در این مرحله، حل شده بودند. نقی: تعارض‌های ما در این سال‌ها بیشتر مربوط به بچه‌هاست. به خانوم می‌گم انقدر حساسیت نشون نده تو تربیت بچه‌ها و انقدر باهاشون دعوا نکن."

مضمون ۵: راهبردهای سازنده برای حل تعارض‌های زناشویی و خانوادگی: راهبردهایی که زوجین به منظور حل تعارض‌های زن و شوهری و خانوادگی استفاده می‌نمودند به ۷ خرده‌مضمون طبقه‌بندی شدند که شامل روشن‌سازی، حمایت از همسر و منظومه زن و شوهری، سازگاری، جبران، افزایش استقلال، آرام‌بخشی با گفتگوی منطقی و آرام و استفاده از منابع حمایتی است؛ شرح راهبردهای مذکور در ادامه به همراه مصادیق آن آمده است.

- روشن‌سازی: زوجین به میزان زیادی در مورد ویژگی‌های خود و اعضای خانواده‌شان، سنت‌های خانواده، یا سوءتفاهم‌ها برای همسرشان روشن‌سازی کردند
 فرزند: من هیچ وقت یادم نمیره یه بار، اولین بار یا دومین بار که مادرزنم رو دیدم مارو پاگشا کرده بودن البته قبلش هم دیدم تو دوران دوستی منج ما رو گرفته بود (خنده) بعد، رفته بودیم خونگی یکی از فامیلامون، مادرزنم به من گفتش که من نشسته بودم خواست رد شه گفت یه کم بکش اون ور من رد شم، من بهم برخورد، بعد فهمیدم تو زبون اینا هیچ مشکلی نیست.
- حمایت کردن از منظومه زن و شوهری: هنگامی که خانواده‌ها با همسر به نحو خوبی رفتار نمی‌کنند، آن‌ها از همسرشان و منظومه زن و شوهری حمایت کردند. زوجین تلاش کردند تا تعارض را با خانواده خودشان حل کنند و همسرشان درگیر تعارض با خانواده‌ها نشوند.
 سحر: "من بعد از ازدواج رفتم دانشگاه، بعد مادرشوهرم گفت بله دیگه خونه خودشون درس نمی‌خونن، شوهرم گفت خودم گفتم تا دکترای هم می‌خواه بره خیلی حمایت می‌کردن، از هر لحاظ، از لحاظ ورزشی، درسی."
- سازگاری: پذیرش ضعف‌ها و خطاهای همسر و خانواده‌ها و کاهش انتظارات، منجر به سازگاری به مرور زمان با تعارض‌ها شد.

- لیلا: به‌جز موارد اعتقادی من تو خیلی از موارد کوتاه میام. مثلاً میدانید بعضی از خانوما حساس‌ان که اول باید بریم خونگی مامان من بعد مامان تو، اول عیدی مامانمو ببریم، من اصلاً تو این زمینه حساس نیستم، کوتاه میام.»
- جبران: این راهبرد شامل تأیید خطاهای خود و خانواده‌ها، معذرت‌خواهی بابت خطاها، جبران نمودن اشتباه‌ها بود.
- زهره: "همسرم وقتی اشتباه می‌کنه، می‌گه تقصیر من بوده من عذرخواهی می‌کنم نباید اینکارو انجام میدادم، باید باهات مشورت می‌کردم قبلش."
- افزایش استقلال: برخی اوقات زوجین استقلال خود را از خانواده افزایش دادند یا رابطه‌شان با دوستان را قطع کردند تا از تعارض‌ها اجتناب نموده و رابطه‌شان را حفظ کنند. شرکت‌کنندگان گزارش کردند که به دلیل اهمیت رابطه‌شان، آن‌ها زودتر ازدواج کردند، مکان زندگی خود را تغییر دادند، رابطه‌شان با دوستان نامناسب را به علت در اولویت قرار دادن رابطه کاهش داده و یا قطع نمودند.
- سحر: "دوستای ناباب زیاد داشت، خدا رو شکر به خاطر زندگیمون همه رو کنار گذاشت. من خیلی صبر کردم، خیلی ارزش حمایت کردم."
- آرام بخشی: زوجین هنگامی که با خودشان یا خانواده‌هایشان تعارض داشتند از شوخی، تمرکز کردن بر روی نکات مثبت همسر و استفاده از گفتگوی منطقی و آرام به منظور حل تعارض و ایجاد فضای مساعد حل تعارض استفاده می‌کردند.
- احمد: "من رفتم دیدم ایشون دارن گریه میکنن ناجور، بهش گفتم چی شده گفت مامانت اینطوری گفت مامان منم اینطوری گفت دعواشون شد، گفتم خب اینا زیاد مهم نیست که این نمی‌خواد با او نا زندگی کنه اونم نمی‌خواد با اینا زندگی کنه فعلاً خر ما روی پل هر چی بگن می‌گیم چشم بعد از اینکه تموم شد صلاحمون رو نگاه می‌کنیم دیگه اگه شد میریم خونشون می‌ایم اگر نشد من که نمی‌خوام همین اول کاری زندگیم رو با شکست روبرو کنم بالأخره به چیزی برایشون چیدم و ایشون هم نرم شدن."

- استفاده از منابع حمایتی: شرکت کنندگان ابراز کردند که آن‌ها از منابع حمایتی نظیر اعضای خانواده، کتاب‌ها، وبسایت‌ها، خویشان، دوستان، متخصصان و خدا برای حل تعارض‌هایشان استفاده می‌کردند.

هانیه: "در مورد مسایل جنسی با هم مشکل داشتیم، یه کتابی بود آنچه درباره مردان باید بدانیم، تو اون خیلی نوشته بود، تنها چیزی که خیلی به من کمک کرد"

بحث

همانطور که در یافته‌ها بیان شد ۵ مضمون در این تحقیق بدست آمده‌اند. که به ترتیب هر یک از این تعارض‌ها در این بخش مورد تبیین قرار خواهند گرفت.

در مراحل مختلف ازدواج تعارض‌های مختلفی وجود دارد. منظور از مرحله پیش از ازدواج در این تحقیق، دوره زمانی از مطرح نمودن درخواست برای ازدواج تا زمان عقد یعنی زمانی که پیمان رسمی ازدواج صورت می‌گیرد، است. در این مرحله تعارض‌ها به دو دسته تعارض‌های میان خانواده‌ها و میان زوجین تقسیم می‌شوند. تعارض‌های مرتبط با خانواده‌ها عبارتند از مخالفت اولیه خانواده‌ها با ازدواج، سوء تفاهم راجع به خانواده همسر و تعارض‌های مربوط به مهریه. تعارض‌های میان زوجین نیز اغلب در رابطه با میزان گذران وقت با دوستان، محل زندگی و ابراز کلامی محبت بود. مهم‌ترین تعارض بالأخص در مرحله پیش از ازدواج و عقد تعارض مرتبط با خانواده‌ها است. در طی این دوره‌ی زمانی نقش خانواده بسیار مهم است به طوری که زوجین وابسته به خانواده‌هایشان هستند. این وابستگی دارای ابعاد متفاوتی است؛ اکثر زوجین در این مرحله از لحاظ مالی توسط خانواده‌ها حمایت می‌شوند. از سوی دیگر آن‌ها به اجازه و موافقت خانواده برای ازدواج نیاز دارند به صورتی که اجازه و موافقت والدین برای ازدواج در فرهنگ ایرانی برای افراد بالأخص برای دخترها (چون امضا و موافقت پدر برای ازدواج دختر ضروری است) مهم است. همچنین معمولاً افراد تا زمانی که آن‌ها ازدواج کرده و به خانه خودشان می‌روند زمان زیادی را با خانواده‌هایشان می‌گذرانند. بنابراین طبیعی است که تعارض مرتبط با خانواده‌ها را به عنوان مهم‌ترین حوزه تعارض مورد توجه قرار دهیم. یافته‌های این مطالعه با

یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در فرهنگ جمع‌گرای مسلمانان آمریکا (مک فارلین، ۲۰۱۲؛ چپمن و کاتانو، ۲۰۱۳) مکزیک (گابریل دیس، استفن، وایبرا، پیرسون و یلارنال، ۱۹۹۷) ژاپن و کره (آها، ۱۹۹۸) همسو است. همچنین پژوهش‌هایی کیفی که در ایران انجام‌شده‌اند عمدتاً نشان می‌دهند که مداخلات خانواده‌ها یکی از عوامل عمده تعارض‌ها است (حاتمی و رزانه، اسمعیلی، فرحبخش، برجعلی، ۲۰۱۶؛ محسن زاده، مرادی کوچی و خدادی سنگده، ۱۳۹۳؛ محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰). در رابطه با تعارض‌های میان خود زوجین باید گفت که در این مرحله افراد وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوند که نیازمند ایجاد تغییر در برخی از الگوهای گذشته‌شان است. تغییر در ارتباط با دوستان و مکان زندگی و ابراز عشق و علاقه به فردی از جنس دیگر از جمله این تغییرات می‌باشد. زوجین شرکت‌کننده در این تحقیق بیان نمودند که با ورود به مرحله ازدواج، در مورد الگوی ارتباطی با دوستان‌شان، با یکدیگر به تعارض رسیدند. تعارض در مورد مکان زندگی بیشتر در میان زوجینی روی می‌داد که از دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر ازدواج نموده‌اند. ابراز عشق و علاقه نیز در میان زوجینی که برای اولین بار وارد رابطه‌ای عاطفی می‌شدند روی داد. زوجین رضایتمند بیان نمودند که توانستند با راهبرد های حل تعارض مؤثر این تعارض‌ها را حل کنند.

در مرحله عقد که در این تحقیق منظور بازه زمانی از زمان بستن پیمان رسمی عقد تا زمان جشن ازدواج است، بیشتر زوجین ابراز داشتند که موضوع تعارض اصلی آن‌ها در ارتباط با خانواده‌ها بود. مهم‌ترین تعارض بعدی آن‌ها تعارض‌های مرتبط با موضوعات مالی و موضوعات مربوط به عشق و دوست داشتن (رابطه جنسی، ابراز دوست داشتن) بود. همانند مرحله پیش از ازدواج در این مرحله نیز تعارضات مربوط به خانواده‌ها در اولویت تعارضات زوجین است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که در این مرحله زوجین اغلب با خانواده‌های خود زندگی کرده و ارتباط تنگاتنگی با خانواده دارند و از لحاظ مالی وابسته به خانواده‌های خود هستند. در ضمن اغلب برای جشن ازدواج و مراسمات مربوط به

آن به خانواده‌ها نیاز دارند که می‌تواند زمینه را برای ایجاد تعارض‌ها آماده سازد. دیگر حوزه تعارضی بااهمیت، تعارض در مورد موضوعات مالی است. موضوعات مالی عمدتاً در مرحله نامزدی دارای اهمیت هستند. در طی این دوره زمانی معمولاً زوجین با مشکلات مالی و مسئولیت‌های مالی خانواده جدیدشان و همچنین مراسم جشن ازدواج که اغلب هزینه زیادی را به خود اختصاص می‌دهد مواجه هستند، بنابراین تعارض‌های مربوط به مسائل مالی مهم‌ترین حوزه تعارض در این دوره زمانی است. یافته‌های مذکور به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات دیگر همسو است؛ به‌عنوان مثال مارشال و اسکوگراند^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند که تعارض‌های مالی بالأخص در سال‌های اول ازدواج مهم هستند. زوجین همچنین در مرحله عقد تعارض‌هایی را در ارتباط با عشق و دوست داشتن نظیر رابطه جنسی، ابراز کلامی عشق و دوست داشتن گزارش کردند. در این مرحله زوجین بیان داشتند که برایشان سخت بود که به‌راحتی عشق و دوست داشتن خود را بیان کنند و دارای مشکلات بیشتری در رابطه جنسی به علت بی‌تجربگی بودند. رازقی و اسلامی (۱۳۹۵) نیز در تحقیق کیفی خود در رابطه با تعارض بیان کردند که مسایل جنسی از جمله عوامل تعارض در رابطه زناشویی بود.

مرحله اولیه ازدواج شامل بازه زمانی از زمان روز برگزاری جشن ازدواج تا پایان سال دوم ازدواج در این تحقیق در نظر گرفته شد. اولاً تعارض‌های مالی و دوماً روز مراسم جشن ازدواج مهم‌ترین تعارض‌ها در این مرحله بودند. برخی مطالعات نشان‌دهنده نقش مهم تعارض‌های مالی در طول ازدواج هستند (استانلی، مارکمن و ویتون^۲، ۲۰۰۲؛ دیو^۳، ۲۰۰۹). با ورود به مرحله‌ای که زوجین با جشن عروسی به زیر یک سقف خواهند رفت و استقلال مالی خود را افزایش می‌دهند مسایل مالی جلوه‌ی پررنگ‌تری پیدا می‌کنند. مطالعات انجام‌شده بر روی زوجین در جامعه ایران نیز نشان‌دهنده نقش پیامدهای زناشویی تعارض‌های مالی است (امینی، امینی و حسینیان، ۱۳۹۲؛ حیدری، ثنایی ذاکر و دلاور،

-
1. Marshall, and Skogrand,
 2. Stanley, Markman, and Whitton
 3. Dew

(۲۰۰۹). مراسم جشن ازدواج نیز به نوبه خود می‌تواند یک زمان بسیار مهم باشد که با توجه به فرهنگ جمع‌گرای ایران می‌تواند نقش قابل توجهی در تعارض‌ها ایفا کند. ارتباط مراسم جشن ازدواج با تعارض‌ها به دو بخش تقسیم شده است یک بخش شامل تدارک دیدن برای مراسم ازدواج همچون لباس، غذا و آرایش است که از جمله تعارضات مربوط به دوره عقد است و بخش دیگر با تعارض‌های به وجود آمده در مراسم بین خویشاوندان و خانواده‌ها است که یکی از تعارضات مرحله اولیه ازدواج است.

مرحله ثانویه ازدواج نیز شامل بازه زمانی از زمان شروع سال سوم ازدواج تا زمان مصاحبه بود که در این مرحله اکثر زوجین صاحب فرزند شده بودند. تعارض‌های عمده زوجین در این مرحله متمرکز بر موضوعات فرزندپروری از قبیل عدم توافق در نوع تربیت فرزند، تعارض والدین و فرزند بود. زوجین رضایتمند بیان کردند که تعارض‌های عمده مرحله قبل در این مرحله حل شده بودند. زوجینی که صاحب فرزند شدند گزارش دادند که تعارض‌های جدید آن‌ها در مورد تربیت فرزندشان بود. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تعارض بعد از گذر به مرحله والد شدن، فرزندپروری است (کار، ۲۰۰۰؛ دیلدار، سیتوات و یاسین^۲، ۲۰۱۳ و نیلی، ۱۳۹۰).

همان‌طور که قبلاً ذکر شد تعارض در روابط مهم همچون ازدواج، موضوعی غیرقابل اجتناب است اما آنچه دانستن آن مهم است این است که چطور زوجین رضایتمند تعارض‌های‌شان را به صورت سازنده حل می‌کنند. بیشتر پژوهش‌ها بر روی تعارض بین زوجین تمرکز کرده‌اند. همچنان که ما در اول این مطالعه ذکر کردیم منطبق با نقش مهم خانواده در ایران، تعارض بین زوجین و همچنین خانواده‌ها و راهبردهای سازنده‌ای که زوجین رضایتمند برای حل این تعارض به کار می‌گیرند، مورد کاوش قرار گرفت. این راهبردها شامل روشن‌سازی، حمایت از همسر و منظومه زن‌شوهری، سازگاری، جبران، افزایش استقلال، آرام‌بخشی و استفاده از منابع حمایتی است. روشن‌سازی در رفع سوء تفاهات میان زوجین و خانواده به خصوص در ابتدای ازدواج که پایه اعتماد به خوبی

1. Carr

2. Dildar, Sitwat, and Yasin

تحکیم نیافته است و زمینه سوء تفاهم میان زوجین و خانواده‌هایشان وجود دارد می‌تواند بسیار مؤثر باشد. زوجین بیان نمودند که در زمان‌هایی که خانواده‌ها وارد حریم زناشویی شده و منظومه‌شان در خطر بود از یکدیگر حمایت می‌کردند و از این رو به مرور تعارض با خانواده‌ها در میان این زوجین همانطور که در یافته‌ها مشهود است کاهش یافت. زوجین بیان نمودند که سازگاری از دیگر راهبردهای‌شان بود که در این راهبرد سعی نمودند که برخی نواقص و خطاهای همسر و خانواده‌اش را بپذیرند و انتظارات خود را کاهش دهند و از این طریق در سیستم زناشویی خود تعادل را حفظ کنند. تأیید خطا و اشتباه و عذرخواهی از جمله دیگر راهبردهایی بود که در حل تعارض‌ها کمک نمود. افزایش استقلال، راهبرد دیگری برای حل مسئله بود که در بردارنده تلاش در جهت استقلال بیشتر از خانواده‌ها و دوستان است که منجر به بقاء سیستم زن و شوهری می‌گردد. این نتایج با یافته‌های مطالعات دیگری که در ایران انجام شده است همسو است (کریمی ثانی و احیائی، ۱۳۹۰؛ ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱). زوجین از راهبرد آرام‌بخشی به منظور آرام کردن همسر و خودشان استفاده می‌کردند، در این راستا آن‌ها از شوخ‌طبعی، تمرکز بر نکات مثبت همسر، گفتگوی آرام و منطقی استفاده کردند تا فضا را برای حل تعارض سازنده و در نتیجه کاهش تنش آماده سازند. این نتایج با یافته‌های درایور^۱ و گاتمن (۲۰۰۴) که حاکی از آن است که استفاده از شوخ‌طبعی در موقعیت تعارض می‌تواند رضایت و ثبات زناشویی را به صورت موفق پیش‌بینی کند همخوان است. زوجین رضایتمند به طور سازنده‌ای برای حل تعارض‌هایشان از منابع حمایتی نظیر خانواده‌ها، دوستان، خویشان، متخصصان، کتاب‌ها، وب‌سایت‌ها و خدا بالاخص در زمان‌های که خودشان قادر به حل تعارض‌های‌شان نبودند، استفاده می‌کردند. خانواده‌ها در علاوه بر نقش داشتن در ایجاد تعارض، منابع حمایت‌کننده نیز بودند؛ بالاخص حمایت از لحاظ مالی و کمک کردن در بزرگ کردن فرزند و کارهای روزانه خانه برای زوجین رضایتمند دو شغله، از سوی خانواده‌ها انجام می‌گرفت. این یافته همسو با یافته پژوهش دهل و لندرز^۲ (۲۰۰۵) بود، آن‌ها در پژوهش خود دریافتند

1. Driver
2. Dehle, and Landers

که حمایت اجتماعی می‌تواند منجر به حل موفق مسائل زناشویی گردد و زوجین دارای حمایت اجتماعی از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردارند. مطالعه‌ی استفورد و کانری^۱ (۱۹۹۱) نیز به صورت کلی نتایج مشابه با تعدادی از نتایج این مطالعه داشته است. این تحقیق راهبردهایی برای حفظ رابطه مطرح کرده است که عبارتند از: مثبت‌گرایی (اتخاذ رویکردی مثبت به رابطه مثل ابراز خوشحالی و امید و حمایت از یکدیگر و نیز به حداقل رساندن تعابیر منفی و خصم‌آلود)، گشودگی (گفتگوی مستقیم در مورد رابطه)، اطمینان و دلگرمی دادن (تأکید بر پذیرش، عشق و تعهد به همسر)، شبکه‌های اجتماعی (استفاده از خانواده، دوستان و دیگر اعضای شبکه‌های اجتماعی برای تثبیت رابطه) و تقسیم وظایف (تأکید بر انجام وظایف و رضایت فرد از مسؤولیت‌هایی که بر عهده اوست). در نهایت می‌توان بیان کرد که زوجین در این پژوهش با استفاده از راهبردهای مذکور در زمانهای سخت و پرتعارض، به صورت سازنده‌ای به حل تعارض‌های خود پرداخته و فضا را برای ارتقاء رضایتمندی زناشویی فراهم ساختند.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت که شناسایی تعارضات زناشویی در مراحل مختلف می‌تواند محققان و درمانگران را در راستای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی متناسب با هر مرحله یاری نماید. همچنین راهبردهای حل تعارض مؤثر می‌تواند در مباحث آموزشی و زوج درمانی مؤثر باشند. در نهایت با توجه به یافته‌های بدست آمده در تحقیق حاضر می‌توان بیان داشت که متخصصان و مسئولین بهتر است علاوه بر در نظر داشتن واحد زوجی نقش خانواده‌های اصلی را در ارتباط با تعارض‌ها و نحوه حل آن‌ها مورد توجه قرار دهند.

1. Stafford, and Canary

منابع

- اسمعیلی، معصومه و دهدست، کوثر (۱۳۹۳). ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج). فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۴(۳)، ۴۰۵-۴۷۷.
- امینی، محمد؛ امینی، یوسف و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی زوجین با استفاده از رویکرد تحلیل ارتباط متقابل (TA) بر کاهش تعارضات زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۳(۳)، ۴۰۰-۳۷۷.
- افخمی، ایمانه؛ بهرامی، فاطمه و فاتحی زاده، مریم. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد. خانواده‌پژوهی، ۳(۹)، ۴۴۲-۴۳۱.
- اولیاء، نرگس؛ فاتحی زاده، مریم؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش غنی سازی بر افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء، ۴(۲۱)، ۳۰-۹.
- حاجی حیدری زهرا، اسمعیلی معصومه، طالبی ابوتراب. (۱۳۹۴). تعارضات زناشویی زوجین فاقد فرزند در آستانه طلاق: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۴(۱)، ۱۲-۲۱.
- حیدری، حسن؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نوایی نژاد، شکوه؛ دلاور، علی. (۱۳۸۸). اثر بخشی گفتگوی موثر (برنامه ارتباط زوج‌ها CCP) بر کاهش تعارضات زناشویی. مجله اندیشه و رفتار، ۴(۱۴)، ۲۴-۱۵.
- رازقی، نادر و اسلامی، اصلی. (۲۰۱۶). مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲)، ۷۲-۵۳.

کریمی ثانی، پرویز و احیائی، کبری. (۱۳۹۰). ارائه مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی زناشویی بر اساس عوامل پیش‌بینی کننده قبل از ازدواج در بین زوجین تبریز. فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۳)، ۸۱-۶۱.

ساروخانی، باقر و قاسمی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده،

(۲۱)۷

کریم منصوریان، سیدمحمد و فخرایی، سیروس. (۱۳۸۷). تحلیل جامعه شناختی تعارضات همسران در خانواده های شهر شیراز. مجله تحقیقات زنان، ۲(۱)، ۷۵-۱۱۳.

محسن زاده، فرشاد؛ مرادی کوچی، سمیرا و خدادادی سنگده، جواد. (۱۳۹۳). مطالعه‌ی پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج (از دیدگاه زنان راضی از ازدواج). مجله مطالعات راهبردی زنان، ۶۵(۳۰)، ۷-۳۶.

محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مجله مطالعات راهبردی زنان، ۵۳(۳۶)، ۷-۴۲.

نصیری ده سرخی، راضیه و موسوی سیده فاطمه. (۱۳۹۴). مطالعه برخی همبسته‌های رضایت جنسی و رضایت زناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان. فصلنامه رویش روانشناسی، ۴(۲)، ۱۳۵-۱۵۲.

نیلی، پانته‌آ. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی رضایت زناشویی در بین زوجین فرزنددار و بدون فرزند. دومین همایش ملی روانشناسی (روانشناسی خانواده). دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

Ahha, I. (1998). Culture and communication: styles of handling interpersonal conflicts in the Koreans and Americans. Doctoral dissertation. University of Minnesota.

Canary, D. J.; Cupach, W. R. and Messman, S. J. (1995). Relationship conflict. Sage Publications, Incorporated.

Cavanagh, S. (1997). Content analysis: concepts, methods and applications. Nurse Researcher; 4(3), 5-16.

- Carr, A. (2000). *Family therapy: Concepts, process and practice*. New York: Wiley.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., and Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 76(5), 930-948.
- Chapman, A. R. and Cattaneo, L. B. (2013). American Muslim marital quality: A preliminary investigation. *Journal of Muslim Mental Health*, 7(2), 1-24.
- Daneshpour, M. (2009). Couple therapy with Muslims: challenges and opportunities, in M. Rastogi, & V. (Eds.), *Multicultural Couple Therapy*. Sage Publication, Inc.
- Dehle, C. and Landers, JE. (2005). You can't always get what you want, but can you get what you need? Personality traits and social support in marriage. *Journal of social and clinical Psychology*, 24(7), 1051-1076.
- Dew, J. (2009). Bank on it: Thrifty couples are the happiest. In W. B. Wilcox (Ed.), *The state of our unions*. Charlottesville, VA: The National Marriage Project.
- Dildar, S.; Sitwat, A. and Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15(10), 1433-1439.
- Driver, J. L. and Gottman, J. M. (2004). Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Family process*, 43(3), 301-314.
- Gabrielidis, C.; Stephan, W. G.; Ybarra, O.; Pearson, V. M. D. S. and Villareal, L. (1997). Preferred styles of conflict resolution Mexico and the United States. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 28(6), 661-677.
- Gottman, J. M. and Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 737-745.
- Greeff, A.P. and De Bruyne, A.T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 26(4), 321-334.
- Hatami Varzaneh, A., Esmaily, M., Farahbakhsh, K. and Borjali, A. (2016). A theoretical framework of divorcing couples experience. *Journal of Research & Health*; 6(3), 362- 372.
- Heavey, C. L.; Christensen, A and Malamuth, N. M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of consulting and clinical psychology*, 63(5), 797-801.

- Heller, D., Watson, D., and Ilies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychological Bulletin*, 130(4), 574-600.
- Hsieh, H.F., and Shannon, S.E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288.
- Kaid, L. L.; Johnston, A. and Hale, K. (1989). Mass media and political disapprobation. *Political Communication Review*; 14(2), 51-72.
- Kurdek, L. A. (1994). Areas of conflict for gay, lesbian, and heterosexual couples: What couples argue about influences relationship satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 56(4), 923-934.
- Lincoln, Y.S. and Guba, E.G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications Inc., Newbury Park, London, New Delhi.
- Mackey, R. A.; Diemer, M. A. and O'Brien, B. A. (2000). Conflict-management styles of spouses in lasting marriages. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 37(2), 134-148.
- Macfarlane, J. (2012). *Islamic Divorce in North America: A Shari'a Path in a Secular Society*. Oxford University Press.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent-child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Marshall, J. P. and Skogrand, L. (2004). Newlywed debt: The anti-dowry. *The Forum for Family & Consumer Issues*, 9(1), 1-6.
- Nimtz, Mark A. (2011). *satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study*. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *American Journal of Family Therapy*, 36(5), 388-401.
- Sandelowski, M. (1994). Focus on qualitative methods. The use of quotes in qualitative research. *Research in nursing & health*, 17(6), 479-482.
- Stafford, L. and Canary, D. J. (1991). Maintenance strategies and romantic relationship type, gender and relational characteristics. *Journal of Social and Personal relationships*, 8(2), 217-242.
- Spanier, G. B., and Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A review of the seventies. *Journal of Marriage and the Family*, 42(4), 825-839.
- Stanley, S. M.; Markman, H. J. and Whitton, S. W. (2002). Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family process*, 41(4), 659-675.
- Sternberg, R. J. and Dobson, D. M. (1987). Resolving interpersonal conflicts: An analysis of stylistic consistency. *Journal of Personality and social Psychology*, 52(4), 794-812.
- Triandis, H. C. (1989). The self and social behavior in differing cultural contexts. *Psychological review*, 96(3), 506-520.

- Triandis, H. C.; Bontempo, R.; Villareal, M. J.; Asai, M. and Lucca, N. (1988). Individualism and collectivism: Cross-cultural perspectives on self-ingroup relationships. *Journal of personality and Social Psychology*, 54(2), 323-338.
- VandenBos, G. R. (2007). *APA dictionary of psychology*. American Psychological Association

Archive of SID